



آموزگاران این گونه می اندیشند!

● پژوهشگران: محمدرضا شهبازی کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی و آموزگار عشایری فارس - مهدی ربیعی کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی و آموزگار شهرضا

سرآغاز

مقاله‌ی حاضر چکیده‌ی پژوهشی با عنوان «تجربه‌ها و ادراک معلمان ابتدایی از پرورش تفکر خلاق در دانش‌آموزان» است که با هدف تبیین تجربه‌های معلمان از پرورش تفکر خلاق در دانش‌آموزان انجام گرفته است. شرکت‌کنندگان در پژوهش، معلمان مقطع ابتدایی شهرستان آبادیه بودند که با روش نمونه‌گیری هدف‌مند انتخاب شدند. حجم نمونه بعد از انجام مصاحبه و عدم دست‌یابی به اطلاعات جدید در نهایت به شش نفر رسید. اطلاعات با استفاده از مصاحبه‌ی عمیق نیمه ساختار یافته گردآوری و با به‌کارگیری روش هفت مرحله‌ای تجزیه و تحلیل شد. از مجموع یافته‌های این پژوهش بعد از حذف کدهای مشترک، تعداد ۸۵ کد مفهومی - که بیانگر تجربه‌های شرکت‌کنندگان در پژوهش بود - استخراج گردید و در موضوع اصلی «تجربه‌های معلمان از خلاقیت» دسته‌بندی شد. این یافته‌ها نمایانگر آن است که معلمان در تأثیرگذاری بر رشد تفکر خلاق دانش‌آموزان نقش مهمی دارند. بر این اساس، شاگردان به معلمان خلاق نیازمندند و معلمان هم به کار کردن در مدارس و محیط‌هایی نیاز دارند که در آن‌ها خانواده‌ها به خلاقیت بها می‌دهند و درصدد رشد و توسعه‌ی آن هستند. آگاهی از این یافته‌ها راه را برای برنامه‌ریزان آموزشی روشن‌تر و هموارتر می‌سازد و به تبع آن، فرایند یاددهی خلاقانه برای معلمان آسان‌تر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تجربه، تفکر خلاق، آموزش و پرورش ابتدایی

آموزش در توسعه و تقویت تفکر خلاق بسیار مؤثر است و این توانایی را کاهش یا افزایش می‌دهد. کلیه‌ی روان‌شناسان و محققان به وجود تفکر خلاق در ذات بشر اعتقاد دارند و این مریی است که باید با ابتکارات و روش‌های خلاق خود این استعداد را بارور کند. منظور از تفکر خلاق نوعی تفکر است که به دیدگاه‌های جدید، رویکردهای نوظهور، دورنمایی تازه و راه‌های جدید برای فهم و درک اشیا و موقعیت‌ها منجر می‌شود (فاسیونی، ۲۰۰۶).

تردیدی نیست که پرورش استعدادها و توانایی‌های بالقوه‌ی دانش‌آموزان به‌عنوان یک ضرورت و مسئولیت اجتماعی از اهم وظایف کارگزاران جامعه و دست‌اندرکاران نظام آموزشی به‌ویژه آموزگاران است. بنابراین، در نظام آموزشی هر کشور معلمان بیشترین و برترین نقش را به‌عهده دارند و می‌توانند با به‌کارگیری شیوه‌های درست پرورش تفکر، به‌ویژه تفکر خلاق، مسیر

رشد و بالندگی دانش‌آموزان را تغییر دهند؛ زیرا جوامع امروز نیاز به پرورش انسان‌هایی دارند که بتوانند به‌طور خلاق با مشکلات روبه‌رو شوند و به حل آن‌ها بپردازند.

پس معلم یا مریی باید در طول زندگی هنگامی که به تجربه‌اندوزی در برخورد با دانش‌آموزان می‌پردازد، به‌طور جدی پرورش خلاقیت شاگردان را مدنظر داشته باشد و از تجربیات، ادراک و نگرش ویژه‌ای که با ماهیت و فرایند خلاقیت تناسب دارد، برخوردار باشد.

پژوهش حاضر تلاش می‌کند به کیفیت این تجربه‌ها و ادراکات در راستای چگونگی پرورش این موضوع در دانش‌آموزان ابتدایی که در واقع در نقطه‌ی آغاز بروز خلاقیت فردی هستند، پی ببرد. زیرا هدف اساسی آموزش و پرورش، تربیت انسان‌هایی است که قابلیت انجام دادن کارهای جدید را داشته باشند و فقط آنچه را دیگر نسل‌ها انجام داده‌اند، تکرار نکنند؛ یعنی تربیت افرادی خلاق، مبتکر و مکتشف (پایژه، ۱۳۶۰).

البته این یادگیری امروزه هنوز هم ضروری است ولی دیگر نمی‌توان به آن بسنده کرد. آن‌چه برای بقای آینده نیاز است، یادگیری نوآفرین^۲ و ابتکاری است. اگر یکی از چالش‌های تعلیم و تربیت آماده کردن کودکان برای دنیایی باشد که به سرعت در حال دگرگونی است، پرورش تفکر خلاق آن‌ها نیازی روشن و واضح خواهد بود.

متأسفانه آموزش موجود در مدارس ما، دانش‌آموزان را به تفکر هم‌گرا عادت داده است و همین امر مانع آن شده است که آن‌ها نگرش لازم برای تن دادن به خطر را، -که مستلزم تفکر واگراست- به‌دست آورند. بنابراین آنچه بدان نیازمندیم، روش‌هایی است که بتوان به کمک آن‌ها توان‌مندی‌ها و ادراک معلمان و همچنین مهارت‌های دانش‌آموزان را تقویت کرد و شرایط لازم برای پرورش و ایجاد تفکر خلاق را فراهم آورد.

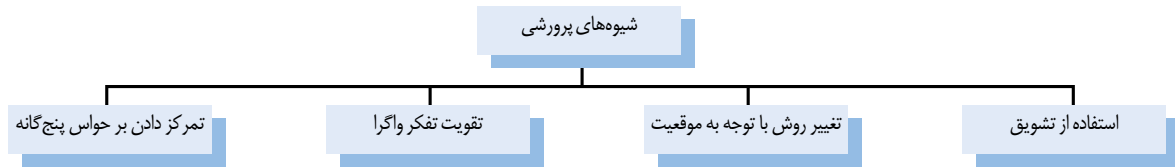
باتوجه به اهمیت نقش معلمان در پرورش این پدیده‌ی مهم تربیتی و نیاز به نگاه عمیق و

کیفی به این موضوع، مقاله‌ی حاضر بر آن است تا به منظور فهم کامل تجربه‌های معلمان از چگونگی پرورش تفکر خلاق در دانش‌آموزان، ادراکات آنان را دریابد. این مطلب که آن‌ها چه تجربه‌ای در این موضوع دارند و چگونه این تجربه‌ها را برای خود

اتفاق بیفتند: ۱. قائل شدن به یک رابطه یا اصل در جایی که چنین رابطه یا اصلی وجود ندارد؛ ۲. انکار وجود یک رابطه یا اصل، در جایی که آن در حقیقت وجود دارد؛ ۳. طرح پرسش‌های غلط (فلیک، ۱۳۸۷: ۴۱۴). پژوهش‌گر در راستای

مثل آهنگ آقای علیرضا افتخاری که قبلاً گوش داده‌اند، اجرا می‌کنند» (شرکت‌کننده‌ی شماره‌ی چهار).

«در روش بارش فکری من بحث را شروع می‌کنم و از شاگردان می‌خواهم تا آنچه را به



نمودار ۱. شیوه‌های پرورشی

معنادار ساخته‌اند، از نکات اصلی است که در این مطالعه به آن پرداخته شده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی از نوع پدیدارشناسی^۴ است. پژوهش پدیدارشناسی، مطالعه‌ی تجربه‌ی به کار گرفته شده است (ون من^۵، ۱۹۹۰) و پدیدارشناسی را مطالعه‌ی دنیای فردی می‌داند. دنیا به عنوان این که ما آن را چگونه تجربه می‌کنیم و درباره‌ی آن می‌اندیشیم یا در ارتباط با آن مفهوم‌سازی می‌کنیم، بدون آن که از طریق پیش‌داوری و ایده‌های نظری به تصویر کشیده شود. در این مطالعه، تعدادی از معلمان مدارس ابتدایی شهرستان آباد به روش نمونه‌گیری مورد مطلوب، انتخاب و مورد مصاحبه‌ی عمیق نیمه‌ساختار یافته قرار گرفته‌اند. مدت زمان هر گفت‌وگو حدود ۳۰ تا ۴۵ دقیقه بنا بر فرصت و تمایل شرکت‌کنندگان متغیر بود. در نهایت، تعداد معلمان مشارکت‌کننده در مصاحبه به شرح مندرج در جدول به شش نفر رسیده و یافته‌های به‌دست آمده در پژوهش، با استفاده از روش پدیدارشناسی تجزیه و تحلیل شد. در این ارتباط سه نوع خطا ممکن است

توان‌مندسازی خود و تحقق مصاحبه‌هایی صحیح و با دقت، اقدام به انجام دو مصاحبه‌ی آزمایشی کرد. در این پژوهش برای تعیین روایی یافته‌ها از روایی بازسازی واقعیت استفاده شد و یافته‌ها به شرکت‌کنندگان در مصاحبه ارائه شد و از نظر صحت و کامل بودن به تأیید آن‌ها رسید.

نتایج بحث

یافته‌های حاصل از این پژوهش بعد از حذف کدهای مشترک، ۸۵ کد مفهومی بود که حاکی از تجربه‌های معلمان در پرورش تفکر خلاق حکایت می‌کرد. این کدها که در چهار دسته‌ی فرعی، «استفاده از تشویق»، «تغییر روش با توجه به موقعیت»، «تقویت تفکر واگرا» و «تمرکز دادن بر حواس پنج‌گانه» قرار گرفته‌اند که در نمودار ۱ قابل مشاهده هستند.

بعضی از تجربه‌های شرکت‌کنندگان در زمینه‌ی شیوه‌های پرورشی عبارت‌اند از:

«ما سعی می‌کنیم شعر را با آهنگ برای دانش‌آموزان بخوانیم یا هم‌خوانی کنیم. حالا بچه‌هایی که خلاق هستند و به آهنگ و شعر بیشتر توجه می‌کنند، فوراً آن را با آهنگ دیگری

ذهنشان می‌رسد، بیان کنند. با این روش هم در زمان صرفه‌جویی می‌شود و هم بیشترین ایده‌ها، چه درست و چه اشتباه، تولید می‌شود» (شرکت‌کننده‌ی شماره‌ی یک).

«دائماً سعی می‌کنم به دانش‌آموز بگویم در آزمایش‌ها و حل مسائل مختلف یک راه‌حل شما را قانع نکند و در پی راه‌حل‌های بیشتری برای انجام آزمایش و فهمیدن مطالب درسی باشید» (شرکت‌کننده‌ی شماره‌ی سه).

«هیچ چیز برایم جذاب‌تر از گوش دادن به ایده‌های عجیب و غریب دانش‌آموزان نیست» (شرکت‌کننده‌ی شماره‌ی پنج).

«با تشویق رفتارها و راه‌حل‌های شاگردان، باعث شدم دانش‌آموزی در پاسخ به چند سؤال ریاضی از روش جدیدی که به ذهنش رسیده بود، استفاده کند؛ روشی که با روش سایر هم‌کلاسی‌هایش فرق داشت» (شرکت‌کننده‌ی شماره‌ی شش).

فیشور (۱۳۸۵) اظهار می‌دارد: «آموزگاران خلاق کسانی هستند که روش‌ها و راهبردهای خود را با توجه به موقعیت‌های متفاوت تغییر می‌دهند. آن‌ها همواره خود را برای یادگیری از

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش

شماره‌ی مصاحبه‌شونده	جنس	پایه‌ی تدریس	سابقه‌ی تدریس - سال	مدرک
۱	مرد	پنجم	۱۰	کارشناسی
۲	مرد	دوم	۱۵	کارشناسی
۳	مرد	اول	۲۲	کارشناسی
۴	مرد	چهارم	۱۳	کارشناسی
۵	زن	پنجم	۲۰	کارشناسی
۶	مرد	سوم	۱۷	کاردانی

توجه به گفتار آموزگار

نقد

شاگردان خویش آماده می‌سازند و از این که فردی نادان به نظر می‌آیند، هراسی ندارند.»

بحث و نتیجه گیری

نتایج این مقوله با یافته‌های پژوهش برلایندر و گیج (۱۹۸۵) همخوانی دارد. آن‌ها نشان دادند که کیفیت یادگیری در روش‌های تدریس فعال، از جمله روش‌های بحثی و گروهی، از روش‌های تدریس غیرفعال، از جمله سخن‌رانی، بیشتر است. شیوه‌های بیان شده به‌وسیله‌ی معلمان با پژوهش بلوم (۱۹۹۵) همخوانی دارد. وی اطلاعاتی از ۱۲۰ فرد موفق در شش زمینه‌ی شغلی را گردآوری کرد و به این نتیجه رسید که موفقیت‌های بزرگ به چگونگی و کیفیت نوع آموزش بستگی دارد. هرلنگهان (۱۳۸۵) پی برد که شرایط آموزشی زیر هموارکننده‌ی راه بروز خلاقیت است:

«فرآگرفتن مهارت‌های عقلانی، محرک‌های حسی یا پاره‌ای از سرگرمی‌ها، طرز تفکر انتقادی، ابتکار، رهایی از جمود فکری، ایده‌آل‌ها، آرزوها و قدرت تخیل، و مساعد بودن عوامل زندگی اجتماعی.»

پی‌نوشت

1. Facioni
2. Piaget.jan
3. innovative learning
4. Phenomenology
5. venmanen

منابع

۱. پیسازه. ژان؛ روان‌شناسی و دانش آموزش و پرورش. مترجم: علی محمد کاردان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.
۲. ترینکو. ج؛ نوآوری نظام‌یافته. مترجم: م. جعفری. تهران، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۰.
۳. حسینی، ا؛ ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن. مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
۴. فلیک. اوو؛ درآمدی بر تحقیق کیفی. هادی جلیلی. چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.
۵. فیشر. رابرت؛ آموزش تفکر به کودکان. مترجم: محمد صفایی. اهواز، انتشارات رسش، ۱۳۸۵.
۶. کشستی آزادی، نرگس و همکاران؛ برنامه‌ی درسی تجربه شده مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسی و اعتبارسنجی آن در گروه‌های پزشکی. مجله‌ی ایرانی آموزش در علوم پزشکی، شماره‌ی نه، صفحه‌ی ۶۷-۵۵.
۷. هرلنگهان. م؛ مقدمه‌ای بر علم خلاقیت‌شناسی. تهران، نشر دوران، ۱۳۸۵.
8. BLOOM, B. (1995). "Teacher training manual", New York, Macmillian.
9. BERLINER, D.G. (1985). "Educational psychology" (third edition) ton Mifflin. Hough Boston.
10. Van manen,max. (1990) researching lived experience: human science for an Action. sensitive pedagogy. state university of new York press.
11. Retrives Facioni. (2006) Creativity thinking skills for Education and life.

● نسرین السادات بستانی فرد

آموزگار منطقه‌ی دو تهران

اولین سالی بود که از آموزش‌بازی نهضت به‌عنوان آموزگار قراردادی در آذرماه وارد آموزش‌وپرورش شدم و در پایه‌ی سوم شروع به کار کردم. بعد از گفتن اولین دیکته، هنگام تصحیح متوجه شدم دانش‌آموزی روی تمام کلمات تشدید گذاشته است. با خود گفتم این دانش‌آموز هنوز متوجه نشده است که کدام کلمه به تشدید نیاز دارد، ولی وقتی دیکته‌ی دوم و سوم را هم تصحیح کردم متوجه همان اشکالات شدم. بعد در دل خودم حسابی خندیدم، زیرا من پنج سال بود که معلم نهضت سوادآموزی بودم و به خاطر ضعف شنوایی سوادآموزانم مجبور به محکم و کشیده گفتن کلمات بودم و ایراد از مُدل دیکته گفتن من بوده، نه از دانش‌آموزان.